زن جوان:

یک اشتباه بزرگ زندگی ام را به آتش کشید و همه آرزوهایم را بر باد داد

■ زن ۳۹ ساله که به اتهام ترک انفاق از همسرش شکایت کرده بود، درباره سرگذشت اسف بار خود به کارشناس اجتماعی کلانتری سیدی مشهد توضیحاتی ارائه داد.

گروه حوادث – یک اشتباه بزرگ در دوران جوانی زندگی ام را به آتش کشید و همه آرزوهایم را بر باد داد. به گونه‌ای که حتی حسرت پوشیدن لباس سفید عروسی هم در دلم باقی ماند و خبر بارداری ام، چون پتکی بود که بر سرم فرود آمد و ...

زن ۳۹ ساله که به اتهام ترک انفاق از همسرش شکایت کرده بود، درباره سرگذشت اسف بار خود به کارشناس اجتماعی کلانتری سیدی مشهد گفت: پدرم بازنشسته‌ای آبرودار و بسیار مظلوم است که هیچ وقت در برابر خواسته‌ها و توقعات من و خواهر و برادرم «نه» نمی گفت و به خانواده اش عشق می‌ورزید. در این شرایط من تا مقطع لیسانس تحصیل کردم و چند سال بعد، در حالی که ۲۷ سال داشتم، در یک آزمایشگاه صنایع غذایی مشغول کار شدم. آن روزها در محیط کارم به دختری مغرور و خشک معروف بودم، به طوری که حتی همکاران مرد مرا دختری «غد» می‌دانستند. در میان مشتریان آزمایشگاه که نمونه‌هایی از مواد غذایی را هر هفته به آزمایشگاه می‌آوردند، مرد میان سالی به نام «حبیب» بود که توجهم را به خودش جلب کرد، او همواره با ادب و متانت رفتار می کرد و با ابراز علاقه‌های عامیانه سخن نمی گفت. او در حالی سعی می کرد به من نزدیک شود که متوجه شدم هر دو نفر در یک محله زندگی می کنیم. این بود که من هم تلاش می کردم با رعایت حد و حدود و احترام با او برخورد کنم. خلاصه خودم هم نفهمیدم چگونه شیفته آن مرد شدم و به او دل باختم. هیچ کس نمی تواند باور کند که این رابطه شوم در حالی ۱۰ سال طول کشید که او در این مدت خودش را مجرد معرفی می کرد و من حتی نفهمیدم او متأهل است و چهار فرزند دارد. اشتباه بزرگی که مرا درگیر عشقی سیاه کرده بود و ارتباط‌های خیابانی و دیدارهای پنهانی ادامه یافت تا این که بالاخره حبیب به خواستگاری ام آمد، اما پدرم با این ازدواج مخالفت کرد. در همین گیر و دار «سامان» که تنها برادرم بود، بر اثر یک حادثه اتفاقی از دنیا رفت و همه ما را عزادار کرد.

به همین دلیل ماجرای ازدواج ما چند ماه مسکوت ماند تا این که حبیب دوباره موضوع را با پدرم مطرح کرد. در حالی که پدرم این بار کمی نرم‌تر شده بود، حبیب از من خواست برای دیدن یک واحد آپارتمانی همراهش بروم تا با اجاره آن منزل به صورت رسمی از من خواستگاری کند و بعد زندگی مشترک مان را در همان خانه آغاز کنیم. من هم به همراهش رفتم، ولی زمانی که مشغول دیدن اتاق‌های آن واحد آپارتمانی بودم او خودش را به من نزدیک کرد و ... آن روز با چهره‌ای پریشان به خانه بازگشتم، اما نمی توانستم از بلایی که به سرم آمده بود با کسی سخن بگویم. تا صبح خوابم نبرد و فقط گریه می کردم. نمی‌دانستم چگونه باید از این آبروریزی جلوگیری کنم. مدام به حبیب پیامک می‌دادم و از او می‌خواستم چاره‌ای بیندیشد. اما از سوی دیگر همسر حبیب با دیدن این پیامک‌ها پی به ماجرا برده بود و حالا من با مشکلی حادتر رو به رو بودم. نمی‌دانستم به ننگی که به بار آورده‌ام بیندیشم یا به دروغی فکر کنم که ۱۰ سال باورش کرده بودم. وقتی از حبیب توضیح خواستم فقط گفت: «می ترسیدم تو را از دست بدهم!» در همین گیر و دار همسر حبیب با من تماس گرفت تا یکدیگر را ملاقات کنیم. من که نمی‌توانستم این راز را در خانواده ام فاش کنم، ماجرا را برای خاله کوچکم شرح دادم و او را به جای خودم نزد همسر حبیب فرستادم، ولی «پوپک» اصلا عصبانی نبود و تنها قصد داشت بر اشتباه فاحش شوهرش سرپوش بگذارد. به همین دلیل خودم در قرار بعدی نزد پوپک رفتم. او توقع داشت من از حقم بگذرم و شکایتی را مطرح نکنم چرا که پوپک ادعا می کرد پشت همسرش را خالی نمی کند! درگیری‌های ما چند ماه ادامه داشت تا این که روزی حبیب به محل کارم آمد و مدعی شد به خاطر عذاب وجدان قصد دارد مرا عقد کند. با آن که دیگر از او نفرت داشتم، اما به ناچار پیشنهادش را پذیرفتم و نام من وارد شناسنامه حبیب شد. چند ماه بعد و در حالی که از شدت شرم نمی توانستم به چهره پدر و مادرم نگاه کنم، زندگی مشترکم را در یک سوئیت اجاره‌ای آغاز کردم و آن جا بود که تازه فهمیدم به طور ناخواسته باردار شده ام. در این وضعیت آشفته، ناگهان تنها خواهرم نیز بدون هیچ دلیلی سکته کرد و دوباره همه خانواده در حالی داغدار شدیم که من نیز جنینم را سقط کردم. اکنون بیش از یک سال از آن روزها می گذرد، اما حبیب نه سراغی از من گرفته و نه حتی نفقه‌ای پرداخت کرده است. حالا من مانده ام و دنیایی از خاکستر آرزوهای بر باد رفته! شایان ذکر است، به دستور سرگرد احسان رسایی (رئیس کلانتری سیدی) پرونده این زن جوان در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

هیچ‌کس نمی‌تواند باور کند که این رابطه شوم در حالی ۱۰ سال طول کشید که او در این مدت خودش را مجرد معرفی می‌کرد و من حتی نفهمیدم او متأهل است و چهار فرزند دارد. اشتباه بزرگی که مرا درگیر عشقی سیاه کرده بود و ارتباط‌های خیابانی و دیدارهای پنهانی ادامه یافت تا این که بالاخره حبیب به خواستگاری ام آمد، اما پدرم با این ازدواج مخالفت کرد.

سرقت جواهرات ۸ میلیارد ریالی همسایه توسط زوج جوان

گروه حوادث– رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی از دستگیری زن و شوهری که از خانه همسایه شان ۸ میلیارد ریال طلا، سرقت کرده بودند، خبرداد. سرهنگ کارآگاه سعید مجیدی رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی اظهار کرد: اواخر آذرماه پرونده‌ای با موضوع سرقت منزل از کلانتری ۱۰۲ پاسداران به همراه ۲ متهم که زن وشوهر بودند، برای رسیدگی تخصصی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی ارجاع شد. وی عنوان کرد: کارآگاهان با بررسی میدانی صحنه جرم موفق می‌شوند رد پای هر دو متهم را در محل سرقت کشف کنند و با توجه به سرنخ‌های بدست آمده از متهمان بازجویی کرده که چاره‌ای جزء اعتراف نداشتند و به سرقت طلاهای شاکی به ارزش ۸ میلیارد ریال معترف شدند.

رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران ابراز داشت: مرد همسایه در بازجوئی‌های اولیه معترف شد، ارتباط خانوادگی با شاکی داشتیم و از وضعیت مالی آن‌ها نیز با خبر بودیم تا اینکه روزی همسرم که به منزل شاکی رفته بود متوجه می‌شود که همسر شاکی طلاهای خود را کجا مخفی می کند و با بیان موضوع با من نقشه سرقت را ترتیب دادم و قرار شد در ملاقات بعدی کلید منزل آن‌ها را ربوده و در فرصت مناسب طلاها را سرقت کنیم. این مقام انتظامی تصریح کرد: همچنین متهم در ادامه بازجویی اعلام داشت، پس از سرقت طلاهای شاکی، آن را در بازار تهران به یک دلال فروختیم و آدرس و شماره‌ای از او نداریم.

سرهنگ مجیدی ادامه داد: کارآگاهان این پایگاه با بکارگیری شیوه‌های نوین و علمی کشف جرم، محل اختفاء مالخر به نام رحمت را شناسایی و در سحرگاه بیست و سوم دی ماه طی یک عملیات غافلگیرانه در محدوده میدان خراسان دستگیر و در بازرسی از محل اختفاء وی مقداری از طلاجات مسروقه به وزن تقریبی ۱۳۵ گرم کشف شد. این مقام پلیسی اضافه کرد: هر ۳ متهم با قرار صادره برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار این پلیس قرار گرفتند.

سرقت از کارت بانکی مشتری فروشگاه مصالح ساختمانی

گروه حوادث– سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی اظهار کرد: پرونده‌ای به کلانتری ۱۵۹ بی سیم با موضوع سرقت یک عدد کارت عابر بانک به شیوه جیب بری به پایگاه ششم پلیس آگاهی ارجاع و بررسی موضوع در اختیار تیمی از کارآگاهان قرار گرفت. شاکی اظهار داشت، برای خرید مصالح ساختمانی به جنوب تهران مراجعه و پس از خرید و مراجعه به منزل متوجه شدم کارت عابر بانکم همراهم نیست و توسط سارق یا سارقان سرقت و مبلغ ۱۹ میلیون ریال از حسابم برداشت شده است. رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی با بیان اینکه در تحقیقات پلیسی مشخص شد که مبلغ ۱۹ میلیون ریال از حساب شاکی توسط دستگاه کارت خوان برداشت شده است، ابراز داشت: در ادامه تحقیقات پلیسی مالک کارت خوان شناسایی و مشخص شد که وی مالک مغازه مصالح فروشی در جنوب تهران می‌باشد. این مقام انتظامی با اشاره به اینکه در رصدهای اطلاعاتی مشخص شد که کارت عابر بانک شاکی در همان مغازه‌ای که وی برای خرید مراجعه کرده است برداشت شده است، تصریح کرد: با پیگیری‌های صورت گرفته مشخص شد کارت عابر بانک شاکی به شیوه اعلامی سرقت نشده است، بلکه شاکی به دلیل حواس پرتی کارتش را در محل خرید، بجا گذاشته است. سرهنگ کارآگاه علی کنجوریان افزود: مالک مصالح فروشی مورد بازجوئی قرار گرفت که در تحقیقات پلیسی وی اظهار کرد، زمانی که شاکی برای خرید مصالح ساختمانی به مغازه ام مراجعه کرد کارت عابر بانکش را در داخل مغازه ام برجای گذاشت و چون رمز کارت عابر بانک را به خاطر داشتم با خروج وی مبلغ ۱۹ میلیون ریال برداشت کردم. با اعتراف صریح متهم به بزه انتسابی پرونده به دادسرا ارسال که متهم در تحقیقات قضائی رضایت شاکی را جلب و به دستور قضائی آزاد شد. این مقام انتظامی به شهروندان توصیه کرد: در خریدهای روزانه خود حتما خودشان از کارتخوان استفاده کرده و کارت عابربانک را در اختیار فروشنده قرار ندهند تا از فراموش کردن و یا عدم استرداد کارت عابر بانک در امان باشند.

سکوت ۱۰ ساله شاهد قتل شکست

گروه حوادث – عذاب وجدان مرد میانسالی که شاهد یک جنایت بوده باعث شد تا وی بعد از ۱۰ سال سکوت به پلیس مراجعه کند. اسفند سال ۸۹ زن میانسالی به پلیس رفت و از ناپدید شدن دخترش خبر داد و گفت: چند روزی است که از شقایق بی‌خبرهستم. مدتی قبل دخترم به عقد موقت مرد جوانی به نام شایان درآمد و بعد از چند روز بی‌خبری وقتی به سراغ شایان رفتم او مدعی شد که از شقایق بی‌خبر است. نگران دخترم هستم و می‌ترسم برای او اتفاقی رخ داده باشد. با شکایت زن میانسال تحقیقات برای یافتن شقایق آغاز شد. در نخستین گام تیم جنایی به سراغ شایان رفتند، اما او گفت: شقایق برای فروش مواد مخدر به خانه یکی از دوستانم به نام بهروز رفت و دیگر برنگشت. از آنجایی که عادت داشت بی‌خبر از خانه خارج شود و گاهی هم به خانه مادرش می‌رفت با خودم گفتم احتمالاً به خانه مادرش رفته است. کارآگاهان پلیس به سراغ بهروز رفتند، اما مرد معتاد منکر دیدن زن جوان شد و گفت: قرار بود شقایق برایم مواد بیاورد، اما بچه‌ام همان روز مریض شد و مجبور شدم او را به درمانگاه ببرم احتمالاً شقایق وقتی دیده من نیستم رفته است. بدین ترتیب در حالی که هیچ رد و سرنخی از شقایق به‌دست نیامد، تحقیقات برای یافتن زن جوان ادامه یافت.

در حالی که ۱۰ سال از ناپدید شدن مرموز زن ۲۲ ساله گذشته و هیچ ردی از او در دست نبود صبح سه‌شنبه هفته گذشته مردی به اداره آگاهی رفت و رازی را بر ملا کرد که رسیدگی به این پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد. او گفت: ۱۰ سال قبل من شاهد انتقال جسد یک زن بودم، اما از ترس سکوت کرده و تا امروز حرفی نزدم، ولی عذاب وجدان باعث شد که بعد از سال‌ها راز این قتل را برملا کنم. او ادامه داد: من همسایه بهروز هستم، مرد میوه‌فروشی که اعتیاد به مواد مخدر دارد. اسفند سال ۸۹ داخل خانه بودم که متوجه سروصدایی از حیاط خانه همسایه شدم. از پنجره که نگاه کردم دیدم سه مرد در حال انتقال جسدی هستند که داخل پتو پیچیده بودند. پاهای جسد از پتو بیرون زده بود و من در یک لحظه موفق شدم صورت جنازه را که خونی بود ببینم. او را شناختم شقایق بود. آن‌ها جسد را داخل وانت گذاشته و رفتند. چند ساعت بعد که برگشتند از صحبت هایشان فهمیدم که به روستایی در شرق کشور رفته بودند و به احتمال زیاد جسد را در آنجا دفن کرده‌اند. این مرد ادامه داد: چند روز بعد پلیس به خانه بهروز آمد و او را بازداشت کردند فهمیدم به خاطر همان قتل بوده، اما وقتی آزادش کردند من هم حرفی نزدم، چون بهروز مرد شروری بود و من هم زن و بچه داشتم و دنبال دردسر نبودم. به‌دنبال اظهارات مرد همسایه، به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی تهران، بهروز بازداشت شد. اما مرد جوان منکر جنایت شد و ادعا کرد که از سرنوشت شقایق بی‌خبر است. بازپرس مصطفی واحدی دستور انتقال متهم به اداره دهم پلیس آگاهی را صادر کرد. همچنین دستور داد تا تیم تحقیق راهی روستای محل دفن شقایق شوند و تحقیقات برای کشف جسد انجام شود.

گفتگو با متهم

شقایق را از کجا می‌شناختی؟

آن موقع‌ها تریاک می کشیدم و شایان که در کار فروش مواد بود به همراه شقایق برایم چندباری مواد آورد.

در ناپدید شدن او نقشی نداشتی؟

نه، اما همان موقع برادر شایان در محفلی گفته بود شقایق را او کشته است. او بازداشت شد، اما مدتی بعد آزادش کردند چند سال بعد هم نمی‌دانم به چه دلیلی فوت کرد.

اما تو را دیده‌اند که جسدی را داخل وانت گذاشته‌ای؟

من وانت داشتم، چون میوه فروش هستم، اما من اصلاً آن روز شقایق را ندیده بودم.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش
تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام
مفقودی
خدمات
خرید و فروش و ...

استخدام

به تعدادی نیروی نگهبان و لابی من با سابقه کار جهت کار در یک مجتمع مسکونی نیازمندیم. ۴۴۴۸۷۰۱۲

نیازمندیهای اقتصاد کیش
تلفنی آگهی می پذیرد
۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴

جویندگان کار در جزیره
ثبت رایگان ۴۴۴۲۴۹۹۹

به یک حسابدار مقیم کیش با تحصیلات حداقل لیسانس حسابداری ترجیحا با سابقه کار مرتبط جهت کار در یک شرکت تولیدی نیازمندیم
M.zakeri@elyseekish.com

یک شرکت معتبر در کیش جهت تکمیل کادر پرسنلی خود به ۲ نفر نیروی آشنا به امور حسابداری نیازمند می باشد.
ارسال رزومه به شماره واتس آپ:
۰۹۰۲۹۱۴۷۰۰۵

خانم – پرستار کودک با ۲ سال سابقه سکونت در کیش
۰۹۳۶۸۴۳۵۵۸۲
****
آقا – با سابقه کار خدمات فنی و مهندسی ساختمان آماده همکاری با مراکز و شرکتهای مربوط می‌باشد
۰۹۳۴۷۶۹۰۲۵۵
****
آقا– با سابقه کار در غذای بیرون بر آماده همکاری با مراکز و شرکتهای مربوط می باشد
۰۹۳۴۷۶۸۴۰۸۰
۰۹۳۵۲۶۸۲۲۴۰

استاد کار گچ کار ساختمان آماده کار در پروژه ها و ساخت و ساز در جزیره کیش
۰۹۱۹۷۹۱۰۹۴۷

خدمات

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

استخدام منشی خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)
شماره تماس: ۰۷۶۴۴۲۴۹۹۹

جهت کار در آشپز خانه یک کمک آشپز و نیروی ساده همراه با جای خواب و سه وعده غذا نیازمندیم.
شماره تماس: ۰۹۳۰۶۰۰۵۱۰۲ پیامک
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۳۳
واتساپ

بافت مو هانیه
با ۴۰٪ تخفیف ویژه
(با ۷ سال سابقه کار در پلاژ بانوان)
hanibaftkish
۰۹۳۹۱۴۴۷۱۱۳

ضدعفونی
اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی
تجاری، اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد – فوری
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش